

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۸۷/۱/۱۰۱۲۱۷
۸۷/۱/۹



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه دکتري رشته تاريخ گرايش ايران دوره اسلامي

روابط ايران و عثماني از انقلاب مشروطيت ايران تا پايان جنگ جهاني اول
(۱۳۳۶-۱۳۲۴ ق)

استادان راهنما:

دکتر مرتضی نورائی

دکتر حسين ميرجعفري

استاد مشاور:

دکتر اصغر فروغی ابری

پژوهشگر:

رضا دهقانی

شهریورماه ۱۳۸۷

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۳

۱۰۵۶۸۷

کتابخانه مرکزی
دانشگاه اصفهان

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه دکتری رشته تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی آقای رضا دهقانی تحت عنوان

روابط ایران و عثمانی از انقلاب مشروطیت ایران تا پایان جنگ جهانی اول (۱۳۳۶-۱۳۲۴ق)

در تاریخ ۱۳۸۷/۶/۱۹ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی نمره ۱۹... به تصویب نهایی رسید.

امضاء

۱. استاد راهنمای پایان نامه دکتر مرتضی نورائی با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۲. استاد راهنمای پایان نامه دکتر حسین میرجعفری با مرتبه علمی استاد

امضاء

۳. استاد مشاور پایان نامه دکتر اصغر فروغی ابری با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۴. استاد داور داخل گروه دکتر لقمان دهقان نیری با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

۵. استاد داور داخل گروه دکتر مرتضی دهقان نژاد با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۶. استاد داور خارج از گروه دکتر علی بیگدلی با مرتبه علمی استاد

امضاء

۷. استاد داور خارج از گروه دکتر وهاب ولی با مرتبه علمی دانشیار

امضای مدیر گروه تاریخ

چکیده

ایران و عثمانی به سبب نزدیکی جغرافیایی، پیوندهای مشترک دینی تاریخی، مشابهت های فرهنگی همواره ارتباطات تنگاتنگ و ممتدی در ابعاد سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی با یکدیگر داشته اند و همیشه از تحولات یکدیگر تأثیر متقابل پذیرفته اند. نقطه عطف این روابط ظهور انقلابهای مشروطه عثمانی (۱۲۹۳ق / ۱۸۷۶م) و ایران (۱۳۲۴ق / ۱۹۰۶م) و استقرار حکومت قانون و مجلس در این کشورها و در نهایت درگیری مستقیم آنها در جنگ جهانی اول است. چنین حوادثی که در پیوند با پدیده های مدنی دنیای غرب است، ضرورت پرداختن به روابط ایران و عثمانی را در این برهه تاریخی که می توان از آن به عصر مشروطه (۱۳۳۶/۱۳۲۴ق - ۱۹۱۸/۱۹۰۶م) تعبیر کرد، مسجل می سازد. دوره مذکور که موضوع پایان نامه حاضر است به لحاظ همزمانی با حوادث مشروطه، مسائل مرزی و انعقاد پروتکل های تهران (۱۳۲۹ق / ۱۹۱۱م) و استانبول (۱۳۳۱ق / ۱۹۱۳م)، تأثیر متقابل مشروطه خواهان ایران و عثمانی بر یکدیگر به ویژه حضور برخی نخبگان و تجار ایرانی در استانبول و حوادث جنگ جهانی اول شایسته دقت و تأمل بسیار است. لذا پایان نامه حاضر می کوشد با استناد به اسناد و منابع اصیل به تحلیل و تبیین روابط ایران و عثمانی در فاصله سالهای (۱۳۳۶ - ۱۳۲۴ق) در ابعاد سیاسی - اجتماعی، فرهنگی و روشنفکری بپردازد؛ ضمن اینکه از تحولات و دسته بندی قدرتهای جهانی آن روز و تأثیر آن بر روابط مذکور غفلت نمی ورزد. از جنبه مبحث نظری، پژوهش حاضر روابط ایران و عثمانی را در چارچوب نظریه «روابط شرقی - اسلامی» بررسی و تحلیل می کند. مقوله نظری روابط شرقی - اسلامی بر آن است تا با تعریف ایستارها و الگوهای برآمده از بطن روابط ایران و عثمانی به ترسیم چارچوب و ساختار این روابط در قالب دو دوره تاریخی «واگرایی ساختاری» و «همگرایی متنزل» بپردازد.

کلید واژه: ایران، عثمانی، عصر مشروطه خواهی ۱۳۳۶/۱۳۲۴ق، روابط خارجی، روابط شرقی - اسلامی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیشگفتار	
فصل اوّل: کلیات	
۱-۱- شرح و بیان مساله پژوهشی.....	۱
۲-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق.....	۴
۳-۱- اهداف تحقیق.....	۷
۴-۱- اهمیت و ارزش تحقیق.....	۸
۵-۱- سؤالات و فرضیه‌های تحقیق.....	۹
۶-۱- روش تحقیق.....	۱۱
۷-۱- نقد و بررسی منابع و مآخذ.....	۱۳
فصل دوّم: زمینه‌های روابط ایران و عثمانی	
۱-۲- چشم انداز تاریخی: روابط ایران و عثمانی از تاسیس دولت صفوی تا آغاز قرن نوزدهم میلادی.....	۲۹
۱-۱-۲- رنسانس و سلطه سیاسی-نظامی غرب در جهان اسلام.....	۳۴
۲-۱-۲- اصلاحات و تنظیمات در امپراتوری عثمانی.....	۳۶
۳-۱-۲- تاثیرپذیری دولتمردان ایرانی از تنظیمات عثمانی.....	۴۱
۲-۲- زمینه نظری: روابط ایران و عثمانی به مثابه‌ی روابط شرقی-اسلامی.....	۴۷
۱-۲-۲- واگرایی ساختاری.....	۵۰
۲-۲-۲- همگرایی متنزل.....	۵۶

فصل سوم: مناسبات مرزی ایران و عثمانی

- ۱-۳- پیشینه مسائل مرزی ایران و عثمانی ۶۵
- ۲-۳- تجاوزات عثمانی به ایران در سالهای نخستین مشروطیت ایران ۶۹
- ۳-۳- واکنش سیاسی دولت و مجلس در برابر تجاوزات عثمانی ۷۲
- ۴-۳- پروتکل تهران ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م ۷۴
- ۱-۴-۳- کمیسیون تعیین حدود ۱۳۳۰ق/۱۹۱۲م ۷۵
- ۵-۳- پروتکل استانبول ۱۳۳۱ق/۱۹۱۳م ۷۶
- ۱-۵-۳- ضمایم پروتکل استانبول ۸۰
- ۲-۵-۳- بررسی و تحلیل پروتکل استانبول ۸۱

فصل چهارم: فعالیت‌های سیاسی دولت عثمانی در دوره انقلاب مشروطه ایران

- ۱-۴- سلطان عبدالحمید دوم و سیاست اتحاد اسلام ۸۵
- ۱-۱-۴- سیاست سلطان عبدالحمید دوم در قبال ایران ۸۹
- ۲-۴- شمس‌الدین بیگ و مشروطه ایران ۹۱
- ۳-۴- انقلاب ترکان جوان و حاکمیت اتحاد و ترقی ۹۵
- ۱-۳-۴- ایران و جمعیت اتحاد و ترقی ۹۷
- ۴-۴- تحصن مشروطه‌خواهان در سفارت عثمانی ۹۹

فصل پنجم: استانبول منزلگاه تجدد ایرانیان

- ۱-۵- مدنیت اروپایی و الگوی منزلگاه ۱۰۴
- ۲-۵- متجددان ایرانی در استانبول ۱۰۶
- ۱-۲-۵- متجددان مشروطه طلب ایرانی در استانبول ۱۰۸

فصل ششم: روابط سیاسی - اجتماعی ایران و عثمانی در جنگ جهانی اول

عنوان	صفحه
۱-۶- خاورمیانه در آستانه جنگ جهانی اول	۱۱۷
۲-۶- ورود عثمانی به جنگ و نقض بی طرفی ایران	۱۱۹
۳-۶- تجاوزات عثمانی به ایران	۱۲۱
۴-۶- عثمانی ها و نهضت مهاجرت	۱۲۴
۱-۴-۶- ورود مهاجران به بغداد و عقد معاهده سری با انور پاشا	۱۲۶
۲-۴-۶- دولت مهاجرت از اقتدار تا اضمحلال	۱۲۹
۵-۶- تحلیل سیاست عثمانی در قبال ایران و دولت مهاجرت	۱۳۱
۶-۶- پیامد های خاورمیانه ای جنگ جهانی اول	۱۳۴
نتیجه	۱۳۶
پیوست ۱ : نقشه ها	۱۳۹
پیوست ۲ : جدول ها	۱۴۶
پیوست ۳ : نمایه اسناد	۱۴۹
پی نوشت ها	۱۶۴
منابع و مآخذ	۱۷۶

دولت های ایران و عثمانی را می توان واپسین دولت های بزرگ اسلامی دانست که طی چندین سده بر بخش بزرگی از جهان اسلام فرمانروایی کردند. این دولت ها که در تداوم سنن حکومت های شرقی - اسلامی مانند عباسی، غزنوی و سلجوقی به وجود آمده بودند به نوعی در امتداد و تداوم بخش جوهره رفتار و سازمان حکومتی آنان بودند. هرگاه سخن از سنن حکومت های شرقی - اسلامی به میان می آید از دولت های ایران و عثمانی می توان به عنوان آخرین حلقه این رشته یاد کرد. سستی بودن ساختار سیاسی این دولت ها در قیاس با تحولات عصر اکتشافات و رنسانس مطرح می شود که با توجه به شرایط دنیای جدید تحولی درونی و بنیادین در ساختارها و فرهنگ سیاسی ایران و عثمانی رخ نداد و مناسبات ایران و عثمانی به عنوان دو واحد سیاسی مجزا در درون امت اسلامی بر شالوده ای نوین قرار نگرفت. لذا ساختار و سازمان این دولت ها تا پایان عمر آنها کماکان در چارچوب سنن امپراتوری های شرقی - اسلامی قابل تحلیل است.

نخستین تماس های ایران و عثمانی با عداوت و کشمکش های ممتد آغاز شد اما با گذشت زمان و غلبه قدرت های استعمارگر اروپایی ایران و عثمانی در سراسرییی ضعف و سستی افتادند و توش و توان خود را در برابر اوضاع جدید ناشی از رنسانس و انقلاب صنعتی از دست دادند و به نوعی مدارای سیاسی با یکدیگر و پذیرش وضع موجود روی آوردند. اما وقوع انقلاب های مشروطه در ایران و عثمانی روابط دو کشور را در مدار تازه ای قرار داد و زمینه های جدیدی برای همکاری و همگرایی دو کشور فراهم شد.

گفتمان مشترک مشروطیت، مسائل مرزی، گسترش تعاملات فرهنگی و روشنفکری، مهاجرت و سکونت گروهی از اندیشمندان و آزادیخواهان ایرانی در استانبول، درگیری مستقیم هر دو کشور در جنگ جهانی اول از جمله مسائلی بودند که در فاصله انقلاب مشروطیت ایران ۱۳۲۴ق تا پایان جنگ جهانی اول ۱۳۳۶ق بستری از مناسبات تنگاتنگ بین دو کشور به وجود آوردند. بنابراین پایان نامه حاضر دو هدف را محور بررسی و پژوهش خود قرار داده است. ۱. تحلیل و تبیین روابط ایران و عثمانی در ابعاد سیاسی - اجتماعی و فرهنگی در یک فاصله زمانی ۱۲ ساله (۱۳۳۶ - ۱۳۲۴ق). ۲. به دست دادن چشم اندازی از روابط ایران و عثمانی در پرتو نظریه «روابط شرقی - اسلامی» که ذیل دو مقوله واگرایی ساختاری و همگرایی متنزل سعی در عینی و نظام مند کردن این روابط دارد.

بر این اساس رساله حاضر در شش فصل تنظیم و تدوین شده است: فصل نخست تحت عنوان کلیات به بیان و شرح مسأله، اهداف، سوالات و فرضیات و روش تحقیق و نقد و بررسی منابع می پردازد. فصل دوم به دو بخش تقیسم می شود: در بخش نخست پیشینه ای از روابط ایران و عثمانی از تأسیس دولت صفویه تا آستانه انقلاب مشروطه ایران آورده شده است که مباحثی چون رنسانس و سلطه غرب بر جهان اسلام، اصلاحات و تنظیمات در عثمانی و تأثیرپذیری ایرانیان از آن را در برمی گیرد. بخش دوم به بیان نظریه روابط شرقی - اسلامی، مؤلفه های مرتبط با آن - واگرایی ساختاری و همگرایی متنزل - اختصاص دارد. فصل سوم به مناسبات مرزی ایران و عثمانی و تاریخچه این مناسبات می پردازد و

پروتکل های تهران ۱۳۲۹ق و استانبول ۱۳۳۰ق و همچنین کمیسیون های تحدید حدود را که می توان آن را آخرین دور توافقات مرزی ایران و عثمانی دانست، مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد. فصل چهارم به فعالیت های سیاسی دولت عثمانی مانند سیاست اتحاد اسلام سلطان عبدالحمید دوم در قبال ایران اختصاص دارد. در این فصل، به نقش سفیر عثمانی در تهران شمس الدین بیگ در همنوایی با مشروطه ایران و همکاری آزادیخواهان ایرانی با جمعیت اتحاد و ترقی پرداخته شده است و واقعه تحصن مشروطه خواهان ایرانی در سفارت عثمانی در دوره استبداد صغیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. فصل پنجم به نقش و جایگاه استانبول به مثابه منزلگاه متجددان و مشروطه طلبان ایرانی اختصاص دارد و ضمن اشاره به سابقه اقامت گزینی آزادیخواهان ایرانی در استانبول، فعالیت انجمن سعادت، روزنامه های ایرانی و لژهای فراماسونری که مأوای شماری از سیاستمداران و دیپلمات های ایرانی بود، مورد مذاقه و تحلیل قرار می گیرد. فصل ششم به روابط ایران و عثمانی در جنگ جهانی اول می پردازد، مطالب این فصل عمدتاً حول نقش عثمانی در صحنه سیاسی ایران در جنگ جهانی اول دور می زند و مناسبات دولت عثمانی با دولت موقت مهاجرت و حوادث و جریانات مرتبط با آن مانند عقد معاهده سری بغداد، تبلیغات پان ترکیسم و تعارض آن با اندیشه اتحاد اسلام را محور بحث و بررسی فصل پایانی رساله قرار داده است.

به سامان رسیدن این رساله نتیجه همکاری و الطاف کسانی است که نگارنده خود را ملزم به تشکر و امتنان از آنان می داند. کسانی چون دکتر کآن دلیک دوست فرهیخته ام که در طی مدت اقامت در ترکیه نه تنها میزبانی شایسته برای نگارنده بودند، بلکه مخاطبی خلاق به شمار می آمدند که گفتگو با ایشان در موارد بسیاری ثمر بخش و راهگشا بود. ایشان با گشاده دستی اسناد شخصی خود و برخی کتب قدیمی را در اختیار نگارنده قرار دادند که بر خود لازم می دانم به خاطر تمام مساعدت هایشان خاضعانه از ایشان تشکر کنم.

نگارنده در طی سفرهایی که برای پژوهش در خصوص رساله به ترکیه داشته از الطاف و همکاریهای افراد مختلفی برخوردار بوده است کسانی چون پرفسور خلیل الله اوزجان، معاون مدیر کل آرشیو های ترکیه، پرفسور یوسف خلیج اوغلو، مدیر بنیاد تاریخ ترک، دکتر حسن اوکتای، دکتر احمد یاشار اوجاق همچنین مسوولان آرشیو عثمانی در استانبول که همکاریهای صمیمانه ای با نگارنده داشتند که لازم می دانم از همگی آنها مراتب تشکر و امتنان خویش را اعلام دارم.

در پایان بر خود فرض می دانم از اساتید محترم راهنما آقای دکتر نورائی و آقای دکتر میر جعفری تشکر نمایم. دکتر نورائی با نکته سنجی های ظریف خود شاکله پریشان رساله را در ذهن نگارنده بسامان و روشمند کرد و دکتر میرجعفری با راهنمایی ها و تذکرات خود الهام بخش نگارنده در مراحل مختلف پژوهش بودند؛ جناب آقای دکتر فروغی نیز با گوشزد کردن نکات ارزشمند، نگارنده را در تدوین هرچه بهتر رساله یاری کردند. از اساتید محترم داور، آقای دکتر دهقان نژاد و آقای دکتر مهرعلیزاده که قبول زحمت کردند و داوری رساله را بر عهده گرفتند صمیمانه تشکر می کنم و اجر و غفران الهی را برای همگی این بزرگواران از خدای متان مسألت دارم.

لازم به ذکر است رساله حاضر اگر مزیتی دارد به خاطر راهنمایی های پیراج و مشفقانه اساتید محترم است که همواره الهام بخش نگارنده در دوره تحقیق بوده اند و اگر کاستی و خطا در آن مشاهده می شود، ناشی از بضاعت علمی اندک نگارنده است که خاضعانه از تمامی اساتید و بزرگواران انتظار عفو و اغماض دارم.

فصل اول

کلیات

۱-۱ شرح و بیان مسأله پژوهشی

آغاز روابط ایران و عثمانی به دوره فرمانروایی تیمور و تهاجم وی به آناتولی و شکست سلطان بایزید از لشکریان تیمور در نبرد آنقوره (۸۰۴ق/۱۴۰۲م) برمی گردد که به مدت یازده سال دولت عثمانی را در حالت تجزیه و فترت فروبرد. (میرجعفری، حسین، ۱۳۷۵: ۴۱) پس از آن با روی کار آمدن آق قویونلوها در ایران روابط ایران و عثمانی وارد مرحله تازه ای شد. از زمان مراد اول (۱۳۸۶-۱۳۶۶م/۷۸۸-۷۶۸ق) که دولت عثمانی در راه امپراتوری شدن قدم گذاشت، دولت های اروپایی همواره در صدد یافتن متحدی برای مقابله با عثمانی در جبهه اروپا بودند. از این رو با ظهور دولت آق قویونلو، دولت های اروپایی به ویژه ونیز به آن دولت به چشم متحدی طبیعی می نگریستند. چنین تلقی در دوران صفویه نیز ادامه یافت.

تاسیس دولت صفوی در سال ۹۰۷ق/۱۵۰۲م روابط ایران و عثمانی را وارد مرحله جدیدی کرد و از این تاریخ تا فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۳م بیش از چهار قرن روابط دایمی بین دو دولت برقرار بود. روابط ایران و عثمانی در ابتدای امر با زدو خورد های نظامی و رقابت های سیاسی آغاز شد. اما این روابط کم کم عرصه های تاریخی، فرهنگی و اقتصادی را در بر گرفت و مقدرات دو کشور را در مسیری مشترک انداخت.

مشترکات دینی - تاریخی، تأثیرات متقابل فرهنگی و زبانی و فرایند آشنایی با مدنیت اروپایی، بخشی از روند مشترک حیات ایران و عثمانی بود که با ظهور انقلاب های مشروطه در عثمانی و ایران این پیوستگی تاریخی - فرهنگی به اوج رسید. استقرار نظام مشروطه در ایران و عثمانی به فاصله زمانی اندک، صفحه ای جدید در روابط دو دولت مسلمان گشود که می توان از آن به عصر مشروطه تعبیر کرد، عصری که از نظر اهمیت و تأثیری آن بر سرنوشت و حیات دو کشور قابل قیاس با ادوار گذشته نیست و این منحصر بودن در پیوند با پدیده های نو ظهور دنیای جدید است. ایران و عثمانی نخستین دولت هایی بودند که برای اولین بار در جهان اسلام به حکومت قانون دست یافتند و راه و رسمی جدید علی رغم نظام های سیاسی - فکری سابق خود در انداختند، جنبش های مشروطه خواهی و پس از آن استقرار حکومت قانون و مجلس در ایران و عثمانی در رابطه ای متقابل شکل گرفت؛ هم از نظر بنیان های فکری و ظهور جریان های روشنفکری و چگونگی مقابله با غرب و هم از نظر آشتی میراث تمدنی اسلام با مدنیت اروپایی و شکل حکومت و حتی مفاهیم و الفاظ جدید مانند حریت، ملت، مجلس، و غیره. چنین مشترکات وسیع و روابط تنگاتنگ که تا پایان جنگ جهانی اول - که سرنوشت نهایی دو دولت را رقم زد - عصر مشروطه را از بقیه دوره ها متمایز می کند و آن را از نظر ضرورت مطالعه و تحقیق در جایگاهی ویژه قرار می دهد.

البته باید در نظر داشت عصر مشروطه که از نظر رساله حاضر زمانی، آغاز جنبش مشروطه خواهی در ایران به سال (۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م) تا پایان جنگ جهانی اول به سال (۱۳۳۶ق/۱۹۱۸م) را دربر می گیرد در زمینه پژوهش، گستره ای وسیع و عرصه هایی متنوع را شامل می شود از جمله بنیان های فکری و زمینه ها مشروطه، حوادث مربوط به حرکت های مشروطه خواهی، تحولات نظام های سیاسی، مسائل مرزی و دخالت های قدرت های بزرگ که هر یک شایسته تحقیق مستقل است که منهای پاره ای آثار محققانه، تا کنون پژوهش یا پژوهش های بایسته و روشمندی در این عرصه چهره نبسته، آنچه در این زمینه شکل گرفته عمدتاً با رویکردی سیاسی - نظامی به مناسبات ایران و عثمانی نگریسته و سوای چند اثر که در جای خود به آنها اشاره خواهد شد، عمده آثار چه در هیأت کتاب چه رساله دانشگاهی از نظر روشمندی پژوهش و تتبع منابع تحقیق چندان غنی و پربار نیستند.

بر همین اساس دو رهیافت نصب العین پژوهش حاضر است: ۱. تحدید دامنه تحقیق از نظر موضوعی، زمانی ۲. ترسیم و تبیین روابط ایران و عثمانی در قالب «نظریه روابط اسلامی - شرقی».

دامنه تحقیق همان طور که ذکر شد یک دوره دوازده ساله را شامل می‌شود از آغاز نهضت مشروطه در ایران (۱۳۲۴ق/ ۱۹۰۶م) تا پایان جنگ جهانی اول (۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م) دوره‌ای مشحون از حوادث بیشمار که در سه محور مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد و فصول تحقیق نیز بر همین اساس تنظیم شده‌اند:

۱. روابط رسمی، مشتمل بر کشمکش‌های مرزی، تجاوزات عثمانی در آستانه انقلاب مشروطه، سیاست دولت و مجلس نسبت به این تجاوزات و انعقاد پروتکل تهران (۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱م) و استانبول (۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۳م) سیاست عثمانی در دوران استبداد عبدالحمیدی و حاکمیت اتحاد و ترقی و سرانجام رابطه شمس‌الدین بیگ سفیر عثمانی با مشروطه ایران. ۲. روابط اجتماعی - فرهنگی که موضوعات زیر را در بر می‌گیرد: جامعه ایرانیان مقیم عثمانی، موج دوم مهاجرین و روشنفکران ایرانی در استانبول پس از استبداد صغیر در سال (۱۳۲۶ق/ ۱۹۰۸م) فعالیت انجمن سعادت ایرانیان و دیگر تشکل‌های ضد استبدادی در استانبول و عضویت روشنفکران ایرانی در لژهای فراماسونری عثمانی. ۳. سیاست جهانی در برگیرنده مسائلی چون مداخلات روس و انگلیس در مسائل مرزی ایران و عثمانی، عثمانی‌ها و سیاست اتحاد اسلام، ایران و عثمانی در سیاست شرقی آلمان و ایران و عثمانی در جنگ جهانی اول است.

اما در خصوص تبیین نظری روابط ایران و عثمانی که عصر مشروطه آخرین حلقه آن محسوب می‌شود گفتنی است نظر به اینکه مبحث روابط خارجی ماهیتی میان رشته‌ای دارد و با اتکاء صرف به یافته‌های تاریخی نمی‌توان به تحلیل و تبیین آن پرداخت، مضاف بر اینکه تاکنون نه یک سنت مطالعاتی قویم و نه یک روش استوار علمی در این خصوص شکل نگرفته است لذا بایسته است با روشی علمی به مناسبات دیرینه ایران و عثمانی نگریسته شود لذا مقوله نظری «روابط شرقی - اسلامی» را باید کوششی در همین راستا ارزیابی کرد که می‌کوشد با تعریف ایستارها و الگوهایی که از بطن این روابط بیرون آمده‌اند به ترسیم چارچوب و ساختار روابط ایران و عثمانی بپردازد، آنگاه مؤلفه‌های این رابطه را در مقوله همگرایی و واگرایی بررسی و تحلیل کند. آنچه در ذیل مقولات همگرایی و واگرایی در روابط ایران و عثمانی می‌آید نه یک نظریه پردازی صرف بلکه کوششی است برای نظام‌مند کردن و عینی کردن مباحث مربوط به روابط با بهره‌گیری از روش علمی مناسب به دور از تعمیم‌های ناروا و قابلیت انطباق پذیری بر وقایع و حقایق تاریخی.

۲-۱- پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

روابط ایران و عثمانی علی رغم استمرار و گستره زمانی آن - بیش از پنج سده - و اشتراکات فراوان فرهنگی، تاریخی و دینی از مقولاتی است که از نظر تحقیقات اصیل و پرمغز به سان طفلی نوپاست که به تازگی قدم در راه نهاده است و تنها در سالهای اخیر است که در ایران و ترکیه و بعضی دانشگاههای جهان این عرصه بکر و نکاویده با حسن توجه و اقبال پژوهشگران مواجه شده است. بررسی و مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه به ویژه رساله‌های دانشگاهی ما را از وجود دو اشکال عمده آگاه می‌کند: ۱. فقر روش شناختی و فقدان سنت پژوهش ۲. سیطره مطالعات مربوط به روس و انگلیس بر فضای تحقیقاتی روابط خارجی ایران. در خصوص نکته اول گفتنی است تحقیقات و پایان نامه‌هایی که در این زمینه پدید آمده‌اند چه در ایران و چه در ترکیه قریب به اتفاق به پیروی از وقایع نامه‌های سیاسی - نظامی صرفاً با اتکا به حوادث و رخداد های سیاسی روایتی داستان وار از روابط ایران و عثمانی به دست داده‌اند. بیان وقایع تاریخی و روایت گذشته هر چند در جای خود ارزشمند و ضرورت کار مورخ است اما در خصوص تالیفات حوزه روابط ایران و عثمانی چنین به نظر می‌رسد که این آثار از تحلیل کافی برخوردار نیستند ضمن اینکه به نقد منابع مورد استفاده چندان توجه نداشته‌اند.

اشکال دیگر سیطره دیگر عرصه‌های مطالعات خارجی بر روابط ایران و عثمانی است، این مسأله با دایره شمول بیشتر درباره ترکیه نیز صدق می‌کند و محققان ترک علاقه‌مندی بیشتری به مطالعه روابط عثمانی با انگلیس، روسیه، فرانسه و آلمان و کلاً کشورهای اروپایی نشان می‌دهند تا روابط عثمانی با ایران یا حتی مشرق زمین، به طوری که دو همسایه دیرین اکنون در محافل علمی یکدیگر تا حدی بیگانه‌اند.

با عنایت به چنین مسأله‌ای برخی از مهمترین مطالعات و تحقیقات انجام گرفته در مقوله روابط ایران و

عثمانی در عصر مشروطه عبارتند از: منوچهر پارسا دوست: «**تاریخ روابط سیاسی - حقوقی ایران با عثمانی و عراق**» مؤلف در این اثر ضمن برشمردن علل و ریشه‌های اختلافات مرزی ایران و عثمانی به تحلیل مناسبات سیاسی - حقوقی ایران و عثمانی که در قالب معاهدات، قراردادهای و پروتکل‌ها تجلی یافته است، می‌پردازد و دامنه بحث را تا دوره جدید و تشکیل دولت عراق گسترش می‌دهد. مؤلف با نگاهی دقیق و موشکافانه به تحلیل پروتکل‌های تهران (۱۳۲۹ق/ ۱۹۱۱ م) و استانبول (۱۳۳۱ق/ ۱۹۱۳ م) می‌پردازد اما از منابع عثمانی بهره نگرفته است؛ به همین خاطر گاهی اطلاعاتش یکسویه می‌نماید. (پارسا دوست، منوچهر، ۱۳۶۴).

«**سیاست خارجی ایران بین سالهای ۱۵۰۰ - ۱۹۴۰م**» عنوان کتابی است از روح ا... رضائی که به بررسی سیاست خارجی ایران در طی پانصد سال می‌پردازد و در بخش مربوط به مناسبات ایران و عثمانی، مؤلف به

نحوی موجز به سیاست خارجی ایران در قبال عثمانی نظر افکنده که عمدتاً زمینه سیاسی - اجتماعی را در بر می‌گیرد. (Ramazani, Rouhollah, 1966) ابراهیم آیگون، مؤلف ترک در مقاله‌ای با عنوان «مقطعی از مناسبات دیپلماتیک ایران و عثمانی» به تحلیل روابط ایران و عثمانی در ابتدای قرن بیستم و کمیسیونهای تحدید حدود می‌پردازد، مؤلف از اسناد آرشیوهای ترکیه به خوبی بهره برده است اما از اسناد ایرانی غفلت ورزیده به همین جهت قضاوتها و نتیجه گیریهایش در بیشتر مواقع یکجانبه و از منظر اسناد عثمانی است. (Aykun, Ibrahim, 1981)

گذشته از مقوله مناسبات سیاسی و مناقشات مرزی، آثاری که در حوزه روابط فکری - فرهنگی پدید آمده‌اند، ناچیز و عموماً در قالب مقاله یا رساله‌های دانشگاهی می‌گنجد که می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: «منزلگاهی در راه تجدد ایران: استانبول» عنوان مقاله‌ای است از جمشید بهنام که با وجود حجم کم اشارات ارزشمندی به نقش انجمن سعادت ایرانیان و طیف روشنفکران ایرانی ساکن استانبول و نقش آنان در تجدد خواهی و واسطه انتقال اندیشه‌های غربی به ایران دارد. (بهنام، جمشید، ۱۳۷۲) یاسمی در مقاله خود با عنوان «سیاست عثمانی در عصر عبدالحمید دوم» به تحلیل سیاست عبدالحمید در برابر معضلات پیچیده امپراتوری عثمانی می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه عبدالحمید می‌کوشید با اتخاذ سیاست اتحاد اسلام مانع از تجزیه امپراتوری و استحکام موقعیت خلافت اسلامی شود (Yasamee, F.A.K, 1999)

«آنچه ترکان جوان درباره انقلاب‌های دیگر آموختند» عنوان مقاله‌ای است از نادر سهرابی. وی در این مقاله با رویکردی تازه به طرح پارادایم مشروطه در کشورهای ژاپن، روسیه، ایران، عثمانی و چین در اوایل قرن بیستم می‌پردازد و انقلاب عثمانی را به عنوان واپسین حلقه این مجموعه - البته مشروطه دوم - محصول تجربیات قانون خواهی ملل مشرق زمین می‌داند. نویسنده در این مقاله نشان می‌دهد که چگونه ترکان جوان به عنوان رهبران انقلاب به لحاظ دینی و تاریخی تمایل داشتند از انقلاب مشروطه ایران که صبغه دینی داشت بیشتر بیاموزند. مقاله مذکور هم از نظر موضوع پژوهش و هم منابع و روش تحقیق بسیار ارزشمند و درخور توجه است. (Sohrabi, Nader, under review) مهرزاد بروجردی در مقاله‌ای با نام «مقایسه نهضت مشروطه ایران و عثمانی» بیشتر به بررسی زمینه‌های فکری و مقایسه جنبه‌های حقوقی نهضت‌های مشروطه ایران و عثمانی می‌پردازد که شایسته تأمل و بررسی بیشتر است. این مقاله می‌تواند دستمایه نگارش اثری تحلیلی و تطبیقی راجع به مشروطه ایران و عثمانی قرار گیرد. (بروجردی، مهرزاد، ۱۳۷۸) هرچند مصطفی کمال میلانی در رساله دکتری خود با نام «مقایسه مشروطه ایران و عثمانی» این خلا را پر کرده اما این مقایسه همه ابعاد مشروطه را شامل

نمی‌شود. به عنوان مثال در این رساله از مقایسه و تحلیل قانون اساسی ایران و عثمانی سخنی به میان نیامده است.
(Kemal Milani, Mustafa, 2002)

در خصوص روند نوگرایی در عثمانی و ایران رساله جلال متین تحت عنوان «مدرنیزاسیون» عثمانی و ایران» شایان توجه است که به جریان نوگرایی و اصلاحات در عثمانی و تأثیر آن بر روند نوگرایی در ایران می‌پردازد. نویسنده می‌کوشد عثمانی را یگانه مجرای آشنایی و اخذ مدنیت اروپایی به ایران معرفی کند، این در حالی است که ایرانیان از مدتها قبل در شبه قاره هند با تمدن اروپایی و مظاهر تجدد آشنایی داشتند و در دوره‌های بعد نیز خود مستقیماً با اروپا رابطه برقرار کردند. با این وجود رساله مذکور از نظر مقایسه روند تجدد خواهی در عثمانی و ایران ارزشمند و قابل ملاحظه است. (Metin, Celal, 2006) نکته ای که باید در تحلیل و تبیین روابط ایران و عثمانی در سطح منطقه ای و جهانی به آن توجه داشت، مساله شرق است که هم بایستی در بررسی عوامل موثر بر سیاست خارجی دولتهای ایران و عثمانی و هم به عنوان سیاست غالب دولت های اروپایی نسبت به مشرق زمین به آن عنایت داشت.

اصطلاح مساله شرق ابداع مورخان اروپایی قرن نوزدهم است که در یک چشم انداز کلان از روابط دوستانه یا خصمانه ای که بین مردم اروپا و آسیا وجود داشت تا موازنه قوای دولت های بزرگ، مبادلات تجاری شرق و غرب و انتشار افکار استقلال طلبانه ملل بالکان را در بر می گرفت. اما به طور خاص حوادث پس از کنگره وین در سال ۱۸۱۵م را شامل می شد که در پی غلبه بر ناپلئون منعقد شد. مساله شرق اساساً در ارتباط با امپراتوری عثمانی مطرح شد که دو موضوع را شامل می گردید: ۱. تجزیه یا حفظ استقلال عثمانی ۲. حمایت از عیسویان قلمرو عثمانی. این دو موضوع یک رشته وقایع و زد و خورد های سیاسی - اقتصادی را در پی داشت که تا فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۳م تداوم یافت. (بهمنش، احمد، ۱۳۲۵: ۱۲-۱۰)

در این میان ایران، حریم مساله شرق و حائل امنیتی هندوستان و پل دستیابی روسیه به دریای آزاد به حساب می آمد. چنین مساله مهمی فصل مشترک و عنصر ثابت سیاست های دولت های اروپایی در قبال ایران و عثمانی محسوب می شد؛ لذا شناخت و تبیین روابط ایران و عثمانی در سایه آگاهی بر زمینه ها و شناخت بستر های روابط جهانی میسر است. عمده پژوهش هایی که به آنها اشاره شد به نظر می رسد چندان به این مساله عنایت نداشته اند و روابط ایران و عثمانی را فارغ از پیش زمینه های منطقه ای و جهانی موضوع تحقیق خود قرار داده اند. چنین پژوهش هایی هر چند نارسا به نظر می آیند اما به هیچ وجه کم اهمیت نیستند زیرا به زمینه های مشترک مناسبات دو دولت و تأثیرات فرهنگی به ویژه مساله مدرنیسم عنایت خاص دارند. اقبالی که این پژوهش ها نسبت

به مطالعه تطبیقی سیر حوادث تاریخی ایران و عثمانی نشان می دهند در خور توجه است اما در کنار چنین مطالعاتی ضرورت پرداختن به تک نگاری های علمی و تحقیقی بیشتر احساس می شود.

۱-۳- اهداف تحقیق

غایت هر تحقیق علمی گسترش دایره معلومات و روشن کردن قضایای مجهول است اما به موازات این هدف غایی، یک سری اهداف اولیه نیز مدنظر تحقیق است. پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نیست. هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت است از:

گشودن چشم اندازی تازه در باب روابط ایران و عثمانی با طرح «الگوی روابط شرقی - اسلامی» تا به مدد آن بتوان شالوده های این روابط را به قاعده درآورد و در مقولاتی اساسی مانند اصلاحات، تجدید گرایی، انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول در ایران و عثمانی به کار بست.

و اما اهداف دیگری که در پیوند با هدف اصلی تحقیق قابل طرح اند، از این قرار است:

۱. بررسی و تحلیل علل تداوم درگیری ها در روابط ایران و عثمانی و حل نشدن مسائل مورد اختلاف دو دولت به رغم انعقاد معاهدات متعدد.

۲. تبیین هسته مشترک و پیوند دهنده روابط ایران و عثمانی در قرن نوزدهم و بیستم در تمامی وجوه سیاسی - اجتماعی و فرهنگی و دستاورد هایی که بر آن مترتب است.

۳. بررسی و تبیین نقش اعضای سفارتخانه به ویژه شمس الدین بیگ سفیر عثمانی در ایران در خصوص جهت گیری و تأثیر گذاری بر خط مشی دولتمردان عثمانی نسبت به مسائل مهم ایران مانند فرایند انقلاب مشروطه، استبداد صغیر، پناهندگی به سفارت عثمانی با تفکیک سیاست عثمانی به دو دوره عبدالحمیدی و دوره مشروطه اتحاد و ترقی.

۴. بررسی و تحلیل جامعه ایرانی مقیم عثمانی به طور اعم و روشنفکران و روزنامه نگاران و تشکل های سیاسی - فرهنگی ایرانی مانند انجمن سعادت ایرانیان به طور اخص، با عنایت به ارتباط آنان با اندیشمندان و محافظ سیاسی عثمانی مانند جمعیت اتحاد و ترقی.

۵. تفحص در سیاست اتحاد اسلام و پان ترکیسم امپراتوری عثمانی و تأثیری که این سیاست در روابط ایران و عثمانی داشت.

۶. جستار هایی در وضعیت اجتماعی - فرهنگی جامعه ایرانی مقیم عثمانی.

۷. بررسی مناسبات سیاسی دولت موقت مهاجرت با دولت عثمانی در طی جنگ جهانی اول و پیامدهای این روابط در عرصه سیاسی و تمامیت ارضی ایران.

۱-۴- اهمیت و ارزش تحقیق

تحقیق حاضر از چند جهت می تواند حایز اهمیت باشد که ذیلاً با آنها اشاره می کنیم:

۱. در تاریخ معاصر کشورهای شرقی به ویژه ایران و عثمانی برآیندهای جدید، پیوند ناگسستگی با مدنیت جدید اروپایی دارد و مطالعه عناصر این برآیندها مستلزم آگاهی از یک گفتمان مشترک یا فضای متقابل است و گرنه مطالعه این عناصر از جمله بحث تجدد به صورت انتزاعی و منفرد ناقص و نارساست. به همین خاطر، تاریخ معاصر ایران و عثمانی به نحوی در هم گره خورده است به ویژه در بعد اندیشه و فرهنگ سیاسی که خصلتی هم سرشت و هم نهشت دارند.

۲. دوره مورد مطالعه، مقطعی حساس و پراهمیت از تاریخ معاصر ایران و عثمانی است که سراسر مملو از حوادث و وقایعی سرنوشت ساز در حیات سیاسی - اجتماعی ایران و عثمانی است: ظهور جنبش های مشروطه خواهی به فاصله چند ماه در ایران و عثمانی، اوج گرفتن مسائل مرزی، سیاست اتحاد اسلام سلطان عبدالحمید و موضع ایران در قبال آن، مهاجرت روشنفکران ایرانی به استانبول در پی استقرار استبداد صغیر، جنگ جهانی اول و قرار گرفتن عثمانی در جبهه متحدین که علی رغم گستردگی مباحث و موضوعات آن، تاکنون تحقیقی جامع و موشکافانه در این باب رخ ننموده، علاوه بر این زوایا و موارد نکاویده چندی در روابط ایران و عثمانی وجود دارد که ضروری است به نحوی جامع و اکمل مورد تفحص و تدقیق قرار گیرد.

۳. این پژوهش مبتنی بر اسناد و مدارک پرارزش آرشیوهای عثمانی و ایران است و مجرای داده های آن صرفاً کتب و برخی اسناد کنسولی سفارتخانه ها و کنسولگرهای روسیه و انگلیس نیست، اگرچه هیچ تحقیقی از بهره گیری از اسناد متقن و معتبر بی نیاز نیست، اما آنچه بیشتر مدنظر بوده پرهیز از القای بینش غربی در تحلیل و تبیین رخدادهای تاریخی منطقه است.^۱

۴. قلت پژوهش های صورت گرفته در این عرصه به رغم وجوب و اهمیت وافر آن و مقایسه آن با کثرت پژوهش های مربوط به روابط ایران با روسیه و انگلیس ضرورت و اهمیت چنین تحقیقی را مسجّل می کند.

۱-۵- سئوالات و فرضیه‌های تحقیق

سئوال محوری تحقیق را به قرار زیر می‌توان مطرح کرد:

جوهره و شالوده روابط ایران و عثمانی بر چه اصولی شکل گرفته بود و آیا این اصول در عصر مشروطه دستخوش دگرگونی شد؟

در ادامه بنا به اقتضای فصول تحقیق سئوالات ذیل قابل طرح‌اند:

۱. سیاست عثمانی در خصوص مسائل مرزی و ایلات و عشایر مرز نشین در عصر مشروطه چگونه بود؟
۲. علت تداوم اختلافات و مناقشات ایران و عثمانی علی‌رغم معاهدات و توافقات انجام شده چه بود و چرا به طور قطع این اختلافات حل و فصل نمی‌شد؟
۳. تأثیر حوادث سیاسی - اجتماعی عثمانی در انقلاب مشروطه ایران در چه جریانها و زمینه‌هایی تبلور یافت؟
۴. نقش مداخله جویانه قدرت‌های بیگانه در تأثیرگذاری و جهت دهی سیاست خارجی دولت‌های ایران و عثمانی چه میزان بود؟
۵. موضع و سیاست سفارت عثمانی در قبال وقایع مشروطیت ایران و تأثیر این سیاست بر مراودات رسمی دولت‌های ایران و عثمانی چه بود؟
۶. عثمانی از تبلیغ و اشاعه سیاست اتحاد اسلام و پان‌ترکیسم چه اهدافی را در ایران دنبال می‌کرد؟
۷. جامعه ایرانیان استانبول و محافل روشنفکری عثمانی مرتبط با آنها به چه میزان بر مراودات دو جانبه ایران و عثمانی تأثیر گذار بودند؟
۸. دولت عثمانی از عقد معاهده سری در بغداد و حمایت از دولت موقت مهاجرت ایران در جنگ جهانی اول در پی چه مقاصدی بود؟

و اما فرضیه محوری تحقیق عبارت است از:

شالوده روابط ایران و عثمانی بر اساس سنت‌های دولت‌های شرقی شکل گرفته بود که مبتنی بر توسعه طلبی، حفظ وضع موجود و کسب اعتبار بود. این روابط ماهیتاً تابعی از ضعف و قوت دولتها، سرشت مذهبی جوامع و مقتضیات بین‌المللی بود.

به تبع فرضیه محوری، فرضیه‌های دیگری نیز مطرح می‌شوند:

۱. ابهام در مفاد معاهدات، حضور قومیت‌های مختلف در دو سوی مرز ایران و عثمانی و به وجود آمدن نوعی پیوستگی قومی که در قالب سیاسی - رسمی نمی‌گنجد، خود سری حکام محلی به ویژه والی بغداد، تعصبات